

هوشنگ عبادی

گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

دکتر محمود قیوم زاده^۱

گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

دکتر عباسعلی حیدری

گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

بررسی اهمیت،

شروط و آثار کاربردی قاعده سوق المسلمین از منظر فقه

چکیده

قاعده سوق المسلمین یکی از قواعد فقهیه عملیه ای است که دارای آثار و منافع متعدد در زندگی مکلفین در جهت خروج از حیرت و مشقت به هنگام شک در تذکیر کالاهایی است که تذکیر در آنها شرط گردیده است. گاهی در بازار مسلمانها گوشت، پوست و سایر اجزاء و فرآورده های حیوانی به فروش می رسد که ممکن است در پاکی و نجاست آنها شک شود. مفاد این قاعده بدین معنا است که هرگاه گوشت، پوست و سایر اجزاء و فرآورده های حیوانی در بازار مسلمانان یافت شود، اماره و قرینه ای است مبنی بر این که حیوان، به روش شرعی ذبح گردیده، مذکی بوده و محکوم به طهارت است و نیاز به تفحص در این خصوص و یا تحقیق از مسلمان بودن فروشنده نیست؛ زیرا بازار مسلمانان اماره و نشانه تذکیر و ذبح شرعی می باشد. اساس این قاعده بر این پایه است که بازار مسلمین باید حفظ گردد و هر چه به نظام معاملات مسلمانان صدمه بزند مطرود است. اعتماد کردن بر این قاعده ما را از بسیاری از مشکلات می رهاند و به عبارت دیگر این قاعده ابزاری در برابر عسر و حرج در برخی موارد است. نگارنده در این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی مطالب آن را گردآوری کرده است، ضمن تبیین و بررسی دقیق قاعده سوق المسلمین به تشریح حدود قلمرو و شروط معتبر در حجیت آن پرداخته است.

واژگان کلیدی: قاعده سوق المسلمین، شروط کاربردی، فرآورده های حیوانی، گوشت، چرم.

بی تردید زندگی اجتماعی و توسعه کنونی جوامع انسانی و از طرفی رعایت الزامات شرعی و دینی، شرایط ویژه ای را در روابط انسانی و اسلامی به وجود آورده است بگونه ای که اگر ضوابط و قواعدی کلی جهت تبیین مواضع حلیت و حرمت وجود نداشته باشد، انسان های متعهد به مبانی دینی، دچار عسر و حرج گردیده و زندگی بسیار سختی را در پیش خواهند داشت. قاعده سوق المسلمین از قواعد فقهیه عملیه ای است که دارای آثار و منافع متعدد در زندگی مکلفین در جهت خروج از حیرت و مشقت به هنگام شک در تذکیه کالاهایی است که تذکیه در آنها شرط گردیده است. قاعده ی سوق مبتنی بر مصالح مسلمین می باشد. چنانچه حجیت این قاعده را نپذیریم باید در کلیه اعمال مردم تحقیق و تفحص کنیم، که موجب هرج و مرج گشته و قوام و استقرار نظام مدنیت از بین می رود ، همچنین موجب اختلال در معاملات شده و سبب عسر و حرج می گردد و بدین ترتیب نظم جامعه بهم می خورد چون زندگی بدون داد و ستد سامان نمی گیرد. امروزه با توجه به رشد جمعیت و اهمیت و ضرورت تبادلات و معاملات میان ملل مسلمان با سایر بلاد و همچنین واردات گوشت و لبنیات و سایر فراورده های دامی از قبیل شیر خشک و یا واردات اسانهای خوراکی ، زله و لوازم بهداشتی و آرایشی با منشأ حیوانی ، و همینطور پوشاک و کفشهای چرمی و سایر فراورده های دامی و طیور ، اهمیت بررسی فقهی طهارت یا نجاست و حرمت و حلیت اینگونه خوردنی ها و نوشیدنی ها و البسه، را به خوبی روشن می نماید و هنگامیکه در می یابیم اینگونه کالاها ممکن است از چندین کشور اسلامی و غیر اسلامی صادر و ترانزیت شوند تا به بازار مسلمین داخل گردند، اهمیت موضوع را بیشتر می کند. پرسشهای این مبحث عبارتند از

۱- مراد از سوق المسلمین چیست؟ مفاد قاعده و مبانی آن از منظر فقه کدامند؟

۲- شروط معتبر در اجرای قاعده سوق المسلمین چیست؟

۳- اهمیت و آثار کاربردی و اجتماعی قاعده سوق المسلمین کدامند؟

۱- مفاد قاعده سوق المسلمین

معنا و مراد از قاعده سوق المسلمین این است که اگر گوشت، پوست و سایر اجزاء حیوانی در بازار مسلمانان خریداری شود، محکوم به حلیت و طهارت است و باید آن را در حکم گوشت و پوست حیوان ذبح شده به شیوه شرعی قرار داد و نیازی به این نیست که از ذبح شرعی آن حیوان و یا از مسلمان بودن فروشنده سؤال کرد و یا در این باره تفحص نمود.

بازار مسلمانان اماره و نشانه ای است بر طهارت و تذکیه به هنگام شک در آن نسبت به کالاهایی که در بازارهای مسلمانان یافت می شوند و نیازمند تذکیه می باشند، از جمله گوشت و پوست و سایر اجزاء حیوانی. پس وجود این نوع کالاها در بازار مسلمانان بر طهارت و حلیت آنها کفایت می کند اگرچه کسی که این نوع کالاها را عرضه می کند، مجهول الحال باشد. طهارت و حلیت اینگونه کالاها برای قاعده اصالت عدم تذکیه نیست به خاطر اینکه، قاعده سوق بر قاعده اصالت عدم تذکیه و استصحاب حکومت دارد. همانگونه که سید حکیم رحمه الله فرموده است: هرگاه ید مسلم، سابق بر ید کافر باشد، یعنی مثلاً پوست حیوانی ابتدا در دست مسلمان بوده و بعد آنرا به کافری فروخته باشد، همچنین در مورد پوست های وارداتی که این زمان ها از کشورهای دیگر آورده می شود، ظهور در اماره سوق مبنی بر طهارت و حلیت دارد. و مقتضی اطلاق قاعده سوق المسلمین می باشد و امر این چنین افاده سوق المسلمین را دارد. از قواعد مسلم و مهم نزد فقها درمیدان معیشت مسلمانان با یکدیگر و حجیت بازار مسلمانان است.

پوشیده نیست که مقصود از سوق المسلمین به طور مطلق اماکنی است که در سلطه مسلمانان است نه این که بازار به معنی خاص آن است. و مراد از مسلمین به معنای این است اکثر افراد در آن منطقه، مسلمانان هستند. همان طور که در صحیح اسحاق بن عمار از امام موسی کاظم علیه السلام آمده که حضرت فرمود: نماز خواندن در پوستین و در آنچه در سرزمین اسلام ساخته شده است اشکال ندارد. از امام (ع) پرسیدم: حتی اگر در آن سرزمین غیر از اهل اسلام باشد؟ امام علیه السلام فرمود: هرگاه در آن سرزمین اکثریت با مسلمانان باشند، عیبی ندارد. (مصطفوی، ۱۴۲۱ ه.ق.، ص ۱۴۳) منظور از قاعده مذکور این است که به اماره بازار مسلمانان بر تذکیه، حکم دارد. زیرا حیوان اگر ذبح نشود، خوردن گوشت آن و نماز خواندن در پوستش، جایز نمی باشد؛ و هرگاه در تذکیه آن شک شود، رأی به عدم تذکیه آن حیوان از باب تمسک به استصحاب عدم تذکیه، داده می شود زیرا حیوان درحالی که زنده است ذبح

نشده است، و هرگاه در حصول تذکیه آن حیوان که جاننش از بین رفته است، شک شود عدم تذکیه جاری می شود؛ و این استصحاب حجّت است و بر عدم تذکیه آن حیوان حکم می کند؛ در نتیجه حکم به عدم جواز خوردن گوشتش و نماز خواندن در پوستش دارد؛ بلکه به نظر مشهور به نجاست آن و نجس کردن دست و لباس هایی که در حال تر بودن به آن برسند، حکم می کند. این استصحاب حجّت است و عبور از آن جایز نیست مگر این که آن گوشت از بازار مسلمانان گرفته شده باشد که در این صورت، محکوم به تذکیه است و در نتیجه محکوم به حلیت خوردن آن گوشت و جواز نماز خواندن در پوست آن است.

۲- آثار اجتماعی قاعده سوق المسلمین

الف: افزایش اعتماد عمومی: یکی از اصلی ترین مولفه ها و شاخص های سرمایه اجتماعی، اعتماد است. با مراجعه به آموزه های اسلامی در می یابیم که این مکتب الهی، در خصوص اعتماد در جامعه ی اسلامی اهتمام می ورزد. و با وضع قوانین مختلف در حوزه های فردی و اجتماعی تلاش دارد تا آن را در جامعدی اسلامی گسترش دهد. جستجو در متن ها و نصوص دینی، نشان می دهد، گرچه واژه و لفظ اعتماد به معنای متعارف آن در ادبیات سرمایه اجتماعی، چندان به کار نرفته است؛ جز در مواردی که اعتماد بندگان به خدا در جایگاه بالاترین سطح اعتماد مطرح شده است زیرا، همه چیز از آن خداوند می باشد و آنچه در زمین و آسمان به دست بشر رسیده، فقط امانت است. (نظریور، منتظری مقدم، ۱۳۸۷، ص ۴۷) اما با مراجعه به احکام، قواعد و دستورهای اخلاقی به خوبی در می یابیم که دین مبین اسلام در جهت تولید، باز تولید و انباشت اعتماد در سطح های گوناگون آن در جامعه اسلامی توصیه های گسترده ای کرده است. به عنوان مثال اسلام تأکید ویژه ای بر اصل عدالت، سفارش به رعایت انصاف و جوانمردی، وفای به عهد و امانت داری کرده است و از آنجا که در جامعه ای اسلامی، همگان باید خود را ملزم به رعایت این اصول و احکام اسلامی بدانند و کار کردی مطابق آن از خود بروز دهند، در فقه اسلامی قاعده هایی در این زمینه شکل گرفته است. از جمله ی آنها، می توان به قاعده ی سوق المسلمین اشاره کرد، زیرا بازار مسلمانان به بیان دستورهای روشن اسلام در خصوص آداب معامله از قبیل: نهی از حيله گری در خرید و فروش، کم فروشی با پیمانانه و ترازو، غش در معامله و هر آنچه که مخالف اصل عدالت می باشد، می پردازد. همچنین افراد در جامعه اسلامی می توانند وارد بازار شده و گوشت و پوست حیوانات را بدون پرسش از کیفیت ذبح خریداری کنند. در صورتی که علم به عدم تذکیه

نداشته باشند، حیوان محکوم به تذکیه است و خرید و فروش، خوردن و دیگر تصرفها مشروط به آن، بی اشکال است؛ حتی اگر عرضه کننده چنین کالاهای فردی باشد که مسلمانی آن معلوم نباشد. (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۴۵) که این امر خود حاکی از اعتماد مومنان به یکدیگر می باشد. علت صحت این قاعده همانگونه که بیان شد، روایات، سیره متشرعه و مومنان است که از ابتدای حکومت اسلامی در عصر پیامبر صل الله علیه و آله و سلم تا زمان حاضر استمرار دارد. حتی شخص رسول الله صل الله علیه و آله و سلم و امامان معصومین علیهم السلام نیز خود این گونه عمل می کردند و ردعی از آن نیز به ما نرسیده است (بجنوردی، ۱۴۱۹ ه. ق. ، ج ۴، ص ۱۵۶-۱۵۹). در برخی از روایت ها نیز این گونه تحلیل شده است که اگر چنین نباشد، هیچ بازاری برای مسلمانان وجود نخواهد داشت. چنانکه ملاحظه می شود قاعده سوق المسلمین، نشان از وجود اعتماد در جامعه اسلامی است. بنابر این اعتمادی که در سایه ی ایده اسلامی پدید آید، می تواند با اثرگذاری بر کارایی بازار، دولت، کاهش فقر، توسعه ی مالی و سرانجام رشد اقتصادی، بسترهای مناسب توسعه اقتصادی را در جامعه فراهم کند.

ب: اشاعه ی فرهنگ اسلامی: در طول تاریخ بازار و بازاریان در ترویج امور فرهنگی نقش بسیار مهمی ایفا کرده اند. حتی پیش از اسلام هم بازار به عنوان مرکزی برای مطرح شدن امور فرهنگی مورد استفاده قرار می گرفته است. برای مثال می توان از بازار عکاظ نام برد که علاوه بر تجارت، به عنوان مرکزی برای امور فرهنگی به شمار می آمده و در آن ادبیات و شعر عرضه می شده است. (یاقوت حموی ، ۱۹۹۵ م، ج ۴، ص ۸۷) در این بازار همچنین ملل های مختلف با زبان های گوناگون با یکدیگر آشنا می شده اند. بنابراین قاعده سوق المسلمین می تواند فرهنگ جامعه اسلامی را در قالب داشتن بازاری سالم و به دور از شک و شبهه، برای دیگر کشورها نمایان کند

ج: وحدت و همبستگی بین مسلمانان: بدیهی است که قاعده ی سوق المسلمین به دنبال تشویق مسلمانان با در برخی موارد الزام آنان بر خرید و فروش با مسلمانان می باشد. این قاعده در عرصه های مختلف اقتصادی می تواند مورد استناد قرار گیرد؛ از جمله در عرصه ی داخلی برای همگرایی و وحدت مسلمانان و جلوگیری از فلج شدن بازار مسلمین کارساز است. به عنوان مثال ممکن است در شهرهایی که اقلیت های دینی سکونت دارند آنان به دنبال در دست گرفتن بازار شهر، اجناس را با قیمتی نازلتر به فروش برسانند و بازار مسلمین با این

عمل فلج شود، به همین دلیل اسلام مسلمانان را تشویق کرده که از بازار مسلمانان بخرند و در مواردی آنان را ملزم به خرید از مسلمانان نموده است. این قاعده افزون بر این که در عرصه داخلی موجب وحدت می شود در کشورهای غیر مسلمان که مسلمین سکونت دارند، به اتحاد و همبستگی مسلمانان کمک شایانی می نماید و به بازار مسلمانان رونق می بخشد. د: رونق اقتصاد مسلمانان: کشورهای اسلامی در برخی موارد ملزم به واردات کالا از کشورهای اسلامی دیگر هستند، زیرا ورود برخی از کالاها از کشورهای غیر اسلامی ممنوع است یا در صورت ورود، مسلمانان آن را خریداری نمی کنند که این امر، به هم گرایی و همبستگی کشورهای اسلامی می انجامد، به علاوه اقتصاد این کشورها رونق می گیرد که در نتیجه، بسیاری از مشکلات داخلی مسلمانان حل می شود. امروزه کشورهای بزرگ با خرید محصولات دیگر کشورها، حتی اگر به از بین بردن محصولات خریداری شده نیز بینجامد، اقتصاد آنان را فلج می کنند، زیرا این کشورها نمی توانند با قیمت خریداری شده از سوی کشورهای بزرگ، با آنان به رقابت بپردازند و کشورهای ابر قدرت به این وسیله حاکمیت آنها را نابود می کنند. امروزه اگر کشورهای اسلامی ملزم به واردات گوشت، پوست، لبنیات و محصولات دیگر از کشورهای اسلامی باشند به رونق اقتصادی مسلمانان کمک کرده اند. (شریعتی، ۱۳۸۷، ۳۶۹)

۳- شرایط اجرای قاعده سوق المسلمین

آنچه از روایات و سایر ادله به دست می آید این است که با خرید گوشت، پوست و سایر اجزای حیوانی از بازار مسلمانان، حکم به طهارت آنها می شود و در حکم گوشت حیوان ذبح شده خواهند بود و لازم نیست از ذبح شرعی آن حیوان سوال کرد. اما طبق مستندات و مدارک قاعده سوق المسلمین، شروطی جهت اجرای این قاعده لازم است که عبارتند از:

الف: خرید از بازار مسلمانان: (جبل عاملی، زین الدین بن علی (شهیدثانی)، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، پیشین، ج ۱، ص ۲۸۵) آن چه از روایات روشن شد این است که کالاهای خریداری شده از شخص یا بازار مسلمانان و شهرهای آنان محکوم به حلیت می باشد؛ گرچه اصل اولی در صورت شک، حرمت آن است. بنابر این اگر خرید از بازار کفار صورت بگیرد محکوم به نجاست است. (خمینی، سید روح الله، توضیح المسائل (محتی-امام خمینی)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ هشتم، ۱۴۲۴ ه.ق.

ج ۱، ص ۷۱) و نمی توان با استناد به قاعده ی سوق المسلمین حکم به حلیت کالاهای خریداری شده از بازار کافران نمود.

ب: خرید از دست مسلمان یا شخصی که ظاهرش به مسلمانان شباهت دارد و محکوم به مسلمان بودن باشد صورت گرفته باشد: (صدر، محمد، ماوراء فقه، بیروت، دارالاضواء، چاپ اول، ۱۴۱۶ ه.ق.، ج ۳، ص ۳۷۴؛ اردبیلی، احمد؛ مجمع الفاتده البرهان، پیشین، ج ۱۱، ص ۲۶۹). زیرا ید مسلم اماره ی تذکیه است. (نائینی، محمدحسین، کتاب الصلاه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ ه.ق.، ج ۱، ص ۲۱۳). پس باید گفت: خرید کالا از شخصی که علم به کفرش وجود دارد، قاعده در اینجا جاری نخواهد شد. البته برخی از فقها، با این شرط مخالفت کرده اند. عده ای معتقدند فقط بازاری حجیت دارد که فروشنده آن جنس، مسلمان بودنش نزد خریدار احراز شده باشد. (حکیم، محسن، مستمسک العروه الوثقی، پیشین، ج ۱، ص ۳۲۸) و در مقابل عده ای می گویند، بازار مسلمانان اماره و نشانه تذکیه و ذبح شرعی است و لازم نیست از دست مسلمان گرفته باشد. (نراقی، احمد بن محمد مهدی، مستندالشیعه فی الاحکام الشریعه، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۱۵ ه.ق.، ج ۱، ص ۳۵۱) پس از خرید از دست مسلمان ولو به حسب ظاهر، بر اساس اصالت صحت فعل مسلمان می توان تعبدا حکم کرد که این حیوان، ذبح شرعی شده است. البته احراز مسلمان بودن، تنها شیعه نیست و سایر فرقه های اسلامی را هم شامل می شود به این دلیل که در زمان صدور این روایات، در بازار مرسوم و معهود، اکثر افراد غیر شیعی بوده اند. و روایاتی هم دلالت بر عدم شرطیت تشیع در اجرای این حکم دارد. (سبزواری، محمدباقر، ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۲۷ ه.ق.، ج ۱، ص ۱۷۵).

ج: علم به عدم تذکیه: در صورتی این قاعده اجرا می شود که علم به عدم تذکیه شرعی ولو تذکیه معتبر نزد اهل سنت نداشته باشیم در این صورت مطلقا این قاعده حجت است چه با علم به مسبوقیت کافر بر این مال، و چه با علم به بی مبالاتی فروشنده مسلمان در امر حلال و حرام. البته در مقابل عده ای معتقدند این قاعده در صورتی حجت است که هم علم به عدم تذکیه نداشته باشیم و هم علم به مسبوقیت کافر و هم علم به بی مبالاتی او در طهارت و حلیت و حرمت. (نائینی، محمدحسین، رساله الصلوه فی المشکوک، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۱۸ ه.ق.، ص ۱۷۸؛ خوئی، ابوالقاسم، التنقیح فی شرح العروه الوثقی، پیشین، ج ۳، ص ۲۶۹).

حال به تفصیل شروط اجرای قاعده مورد بررسی قرار می‌گیرد تا روشن گردد هر یک از شروط سه‌گانه چگونه از ادله قابل استنباط است:

مبحث اول: شرایط اجرای قاعده سوق المسلمین از منظر روایات

روایت‌های فراوانی بر طهارت و حلیت هر چیز مشکوکی که از بازار مسلمان‌ها گرفته می‌شود، و نیز در خصوص حق مشترک بین چند نفر که فاقد نصی در خصوص نحوه تقسیم می‌باشد دلالت می‌کند. دلالت این روایت‌ها از سیره عملی مسلمان‌ها و اجماع روشن‌تر است. البته سیره ائمه همین بوده که نسبت به آنچه می‌خریدند از فروشندگان سوال نمی‌کردند و حتی دستور می‌دادند که سوال نشود. در ادامه برخی از روایت‌ها را که از حیث سند، دلالت و جهت معتبر است ذکر می‌کنیم، اگرچه معتبر بودنش به خاطر عمل علما به آن باشد تا چه رسد به این که فی حد نفسه نیز معتبر است. (فرحی، علی، تحقیق فی القواعد الفقهیه، قم، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین. چاپ اول، ۱۴۳۰ ه. ق. ص ۳۶۶)

روایات مربوط به قاعده سوق المسلمین را می‌توان در دو دسته قرار داد:

دسته اول - روایاتی که بر حجت بودن بازار مسلمانان به خودی خود دلالت دارند.

دسته دوم - روایاتی که بر حجت بودن بازار مسلمانان در صورت ضمیمه شدن حجتی به آن دلالت دارند.

در ادامه به بررسی روایات پیرامون هر دسته می‌پردازیم.

الف- دسته اول روایاتی که بر حجت بودن بازار مسلمانان به خودی خود دلالت دارند عبارتند از:

۱- «مَحْمَدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِينَةَ عَنْ فَضِيلٍ وَ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ أَنَّهُمْ سَأَلُوا أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ شِرَاءِ اللَّحْمِ مِنَ الْأَسْوَاقِ - وَ لَا يُدْرَى مَا صَنَعَ الْقَصَّابُونَ فَقَالَ - كُلُّ إِذَا كَانَ ذَلِكَ فِي سَوْقِ الْمُسْلِمِينَ وَ لَا تَسْأَلُ عَنْهُ.

وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْفَضِيلِ وَ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِثْلَهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ مِثْلَهُ وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أَدِينَةَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ ذَكَرَ نَحْوَهُ أَقُولُ: وَ تَقَدَّمَ مَا يَدُلُّ عَلَى ذَلِكَ فِي الطَّهَّارَةِ وَ يَأْتِي مَا يَدُلُّ.» (طوسی، محمدبن

حسن، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ه. ق. ج ۹، ص ۷۲؛ حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، پیشین، ج ۲۴، ص ۷۰)

فضیل، زراره و محمد بن مسلم در حدیثی صحیح از امام باقر علیه السلام در مورد خرید گوشت‌هایی که در بازار فروخته می‌شود در حالی که انسان نمی‌داند قصاب‌ها چگونه آن

حیوانات را ذبح می کنند، پرسیدند و امام در پاسخ فرمودند: زمانی که در بازار مسلمین فروخته می شود از آن بخور و سوال نکن. برخی از فقها برای اثبات قاعده سوق المسلمین به این روایت استناد کرده اند). فاضل لنکرانی، محمد، القواعد الفقهیه، قم، چاپخانه مهر، چاپ اول، ۱۴۱۶ ه.ق، ص ۴۸۸؛ ایروانی، باقر. دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه، قم، دارالفقه للطباعة و النشر، چاپ سوم، ۱۴۲۶ ه.ق، ج ۲، ص ۸۰؛ این روایت بر حلیت خوردن گوشت مادامی که در بازار مسلمانان موجود هست دلالت می کند و نیازی به سوال از تذکیه و عدم تذکیه نیست و دال بر این است که، با خریدن گوشت و پوست و غیر از این دو از بازار مسلمانان، ظن غالب به تذکیه حاصل می شود، که مفهوم آن، عدم حلیت خوردن گوشت وقتی که در بازار غیرمسلمانان موجود باشد، خواهد بود. از این رو مرحوم بروجردی معتقد است: این روایت بر حلیت خوردن گوشت مادامی که در بازار مسلمانان باشد و از ید معلوم الاسلام و یا ید مشکوک الاسلام خریده شود دلالت می کند، زیرا سوق مسلمین در آنچه که از ید معلوم الاسلام و ید مشکوک الاسلام خریده می شود، اماره است، اما زمانی که ید بایع، معلوم الکفر باشد، سوق اماره ی تذکیه نمی باشد. (طباطبایی، ج ۴، ۱۷)

با استفاده از روایت مذکور فرق بازار مسلمانان و غیر مسلمانان در این است که در بازار مسلمانان بدون سوال از تذکیه حکم به حلیت می شود، اما در بازار غیر مسلمانان حکم به حلیت و تذکیه نمی شود جز در صورتی که از تذکیه ی آن سوال شود. پس اگر سوال شود و در جواب آن پاسخ داده شود که مذکی می باشد، محکوم به تذکیه است اگر چه در بازار مسلمانان ولی در ید کافر باشد یا از بازار غیرمسلمانان خریده شود. (همان)

۲- «و بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي بَرْزَةَ عَنْ أَبِي بَرْزَةَ قَالَ: لَمْ يَأْسَ بِالصَّلَاةِ فِي الْفِرَاءِ الْيَمَانِيِّ - وَ فِيمَا صُنِعَ فِي أَرْضِ الْإِسْلَامِ - قُلْتُ فَإِنْ كَانَ فِيهَا غَيْرُ أَهْلِ الْإِسْلَامِ - قَالَ إِذَا كَانَ الْعَالِبُ عَلَيْهَا الْمُسْلِمِينَ فَلَا بَأْسَ. » (حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، پیشین، ج ۳، ص ۴۹۱؛

خویی، ابوالقاسم، التنقیح فی شرح العروه الوثقی، پیشین، ج ۲، ص ۵۳۷).

از این روایت استفاده می شود که، بازار مسلمانان در صورتی که غلبه با مسلمانان باشد حجت می باشد. کلمه ی غلبه نشانه ی این است که بازار مسلمانان اماره است، یعنی واقع را نشان می دهد، نظر عقلا و شارع در بیشتر موارد- اگر نگوئیم در همه ی موارد- این است که غلبه، حجت است و اماره بر واقع می باشد. بدیهی است که مقصود از بازار مسلمانان، دکان های

بازاری نیست بلکه منظور فروشندگان آن است که طبیعتاً غالب آنها در آن زمان ها و منطقه ها مسلمان بودند و نسبت به اسلام و مسائلش تعهد داشتند. (« ولا یخفی أن المراد من السوق (سوق المسلمین) مطلق الأمکنه التي تكون فی سيطرة المسلمین لا السوق بالمعنی الخاص، والمراد من المسلمین هو کونهم أغلب الأفراد فی المنطقه، كما قال سیدنا الاستاذ: وقد جعل الشارع الغلبه فی اضافه السوق إليهم معتبره فی خصوص المقام (السوق)، وألحق من یشک فی اسلامه بالمسلمین للغلبه، بل ولا إختصاص لذلك بالسوق «مصطفوی، محمد کاظم، القواعد- مائه قاعده فقهیه، پیشین، ص ۱۴۳)

بنابر این، می توان گفت: بازار مسلمانان اماره بر اماره بوده و خود سوق به تنهایی اماره بر تذکیه و کاشف از طهارت و حلیت نیست، بلکه کاشف از اماره ی اصلی که ید مسلم است، می باشد. (. فاضل لنکرانی، محمد، القواعد الفقهیه، پیشین، ص ۴۹۱) به عبارت دیگر اماره ی اول این است که غالب آنها مسلمان بوده اند و اماره دوم این است که غالب مسلمانان طبیعتاً متعهد بودند، به این جهت آنچه از دست آنها گرفته می شد شرعاً صحیح به شمار می آمد. از غلبه ی دوم یا اماره ی دوم می توان به ظهور حال، یا مقتضای ید یا اصل صحت تعبیر کرد، اگرچه ممکن است هر یک از این سه تعبیر به دیگری برگردد. در هر صورت، از این روایت استفاده می شود بازار مسلمانان به جهت غلبه ی مسلمانان در بازار حجت است. بنابراین بر دیدگاه علامه بروجردی اشکال وارد است زیرا ایشان می گوید: غلبه ای که در روایت ذکر شده به معنای غلبه ی حکومت اسلام بر بازار است هر چند که غالب فروشندگان آن از غیر مسلمانان باشند. (. طباطبایی بروجردی، حسین، تبیان الصلاه، پیشین، ج ۴، ص ۹)

در پاسخ ایشان باید گفت: در قاعده، بحث پیرامون تذکیه است که عمل مسلمانان می باشد نه عمل حکومت، بلکه عمل حکومت نیز به وسیله ی مسلمان ها انجام می گیرد، لذا غلبه باید از جهت مسلمانها ملاحظه شود خواه در حکومت اسلام باشد یا در غیر آن، منتها در حکومت اسلام گفته می شود: غالب مسلمان ها به حکم اینکه حکومت که مجری دستورهای الهی است عمل می کنند، و در غیر آن این سخن گفته نمی شود بلکه گفته می شود: غالب مسلمانها طبعاً به دستورهای الهی عمل می کنند. (. فاضل لنکرانی، محمد، القواعد الفقهیه، پیشین، ص ۵۰۶؛ فرحی، علی، تحقیق فی القواعد الفقهیه، پیشین، ص ۳۶۸؛ درس خارج فقه

۳- «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أُعْتَرِضُ السُّوقَ - فَأَشْتَرِي خُفًّا لَأُذِرِّي أَمْ ذَكِيٌّ هُوَ أَمْ لَا قَالَ صَلَّى فِيهِ - قُلْتُ فَالِنَّعْلُ قَالَ مِثْلُ ذَلِكَ قُلْتُ إِنِّي أَضِيقُ مِنْ هَذَا - قَالَ أَلَا تَرَعْبُ عَمَّا كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَفْعَلُهُ. وَرَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ مِثْلَهُ» (حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، پیشین، ج ۳، ص ۴۹۳) حسن بن جهم می گوید: از امام رضا علیه السلام سوال کردم که وارد بازار شدم و کفشی را خریدم که میدانم پاک است یا خیر؟ گفت: در آن نماز بخوان، گفتم: نعل چطور؟ مثل فرمایش قبلی را فرمود. گفتم: من از این جهت در مضیقه هستم و برای من مشکل است. حضرت فرمود: آیا رغبت نمی کنی آنچه را که ابوالحسن انجام می دهد، انجام دهی. برخی از فقها در اثبات قاعده سوق المسلمین به این روایت استناد کرده اند. و معتقدند دلالت این روایت بر اماره بودن سوق صریح است. (فاضل لنکرانی، محمد، القواعد الفقهیه، پیشین، ص ۴۹۸؛ بجنوردی، حسن، القواعد الفقهیه، پیشین، ج ۴، ص ۱۵۸)

مبحث دوم: شرایط اجرای قاعده سوق المسلمین از منظر سیره متشرعه

سیره و روش مسلمین و مؤمنین در طول تاریخ اسلام این چنین بوده که گوشت و پوست حیوانات حلال گوشت را از بازار مسلمانان بدون اینکه نسبت به تذکیه و عدم تذکیه آن تحقیق نمایند درحالی که می دانند نماز در غیر مذکی جایز نیست و همچنین خوردن گوشت غیر مذکی حرام است با وجود این، موارد مشکوک را از بازارهایشان خریداری و آثار تذکیه را بر آن مترتب می کردند و پیامبر اسلام صل الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام این سیره را رد نکرده اند بلکه خودشان نیز همچون سایر مسلمانان وارد بازار برده فروشان می شدند و بنده و کنیز می خریدند، بدون اینکه تفحص کنند که آیا آنها واقعاً بنده هستند یا آزادند؟ و به صرف اینکه آن بازار مسلمانان بود و اینکه آن بازار مخصوص برده فروشان بود به احتمال خلاف آن توجه نمی کردند. (بجنوردی، حسن، القواعد الفقهیه، پیشین، ج ۴، ص ۱۵۵؛ خویی، ابوالقاسم، التنقیح فی شرح العروه الوثقی، پیشین، ج ۱، ص ۴۸۳)

از آغاز پایه گذاری شریعت اسلامی سیره مسلمانان بر این بوده است که برای برآوردن نیازهای خود به بازارها و دکانهای موجود در شهرهای خود مراجعه می کرده اند و گوشت و پوست و سایر اعضای حیوان را می خریده اند و هیچ در پی به دست آوردن شرایط حلالی و پاکی آن نبوده اند. سیره متشرعه از صدر اسلام مسلمانان، ائمه علیهم السلام و اصحاب و

وکلای ایشان از بازار مسلمانان خرید می نمودند بدون اینکه از نحوه ذبح آن حیوان خریداری شده، سوال نمایند و با توجه به این سیره، مستمر می توان ادعای قطع نمود که این سیره مورد امضاء و تأیید شارع است. (حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، پیشین، ج ۴، ص ۴۳۶)

این سیره و روش اثبات می کند که قاعده سوق حجت است. این مطلب به اندازه ای واضح و روشن می باشد که در روایت حفص بن غیاث، از امام صادق علیه السلام آمده است که ایشان فرمود: «لو لم یجز هذا لم یقم للمسلمین سوق» یعنی اگر احتمال داده شود که اجناس در بازار از اموال سرقت شده است با گوشت بازار ذبح شرعی نشده یا غلامان و کیزان در واقع برده و بنده نیستند دیگر بازاری برای مسلمانان وجود ندارد و این باعث اختلال در امر کسب و معاملات و اداره ی زندگی جامعه می شود. و همچنین از ظاهر این روایت استفاده می شود که اگر فرد در خرید و فروش گوشت و پوست در بازار مسلمین همواره احتمال عدم تذکیه دهد، این احتیاط بی مورد است و موجب ایجاد خلل در سیستم بازار و روابط اجتماعی مسلمانان می شود. (مشایخی، قدرت الله، قواعد فقهی، تهران، سمت، چاپ سوم، ۱۳۸۷، ص ۶۸) آنچه در بازار معتبر می باشد، سیره ی مسلمانان است، چرا که در مورد اسلام و کفر فروشندگان بازار آنها پرسیده نمی شود. (خویی، ابوالقاسم، التنقیح فی شرح العروه الوثقی، پیشین، ج ۲، ص ۵۳۸) ممکن است گفته شود آنچه که مطمئنیم که مورد تأیید شارع می باشد سیره ی عقلاست و سیره ی متشرعه با سیره ی عقلا فرق دارد، و معلوم نیست که مورد تأیید شارع قرار گرفته است یا نه؛ امور شرعیه جایگاهی در نظر عقلا از آن نظر که عقلا هستند، ندارند مثلاً در مورد گوشت ها، عقلا از این نظر که آنها از طیبات اند یا از خبایث به آنها نگاه می کنند ولی متشرعین از این نظر که آن گوشت ها مذکی اند یا غیر مذکی به آنها توجه دارند پس با توجه به آنچه که در مورد تفاوت دو سیره گفتیم باید در پاسخ به کسانی که سیره ی متشرعه را یکی از ادله ی اثبات این قاعده می دانند بیان داشت که سیره ی متشرعه چون معلوم نیست که مورد تأیید قرار گرفته است یا نه، هر چند که گاهی از سیره ی متشرعه ظن حاصل می گردد با این وجود استناد به سیره ی متشرعه در این باب خالی از اشکال نیست. در پاسخ به اشکال مذکور که بیان داشت سیره ی متشرعین با عقلا فرق دارند پس جزء عقلا نیست تا مورد تأیید شارع باشد، می گوییم سیره ی متشرعین مثل سیره ی عقلا نیاز به تأیید و امضای شارع ندارد، زیرا آن چیزی که نزد عقلا طریق می شود، ممکن است

که شارع طریقتش را بپذیرد و ممکن است که آن را نپذیرد اما سیره ی متدینین به خاطر متدین بودنشان همچون اجماع است که از همان ابتدا عملشان کاشف از رأی معصوم علیه السلام می باشد و بدین صورت در نظر شارع حجت است بدون اینکه نیاز به امضای شارع باشد. (. بجنوردی، حسن، القواعد الفقهیه، پیشین، ج ۴، ص ۱۶۷). مستند سیره را نمی توان به اهل سنت تعمیم داد زیرا سیره مسلمان از حیث این که سیره مسلمان است نمی تواند کاشف از اعتبار قاعده سوق باشد زیرا اکثر فقهای اهل سنت قائل به طهارت و حلیت ذبیحه اهل کتاب هستند لذا اگر گوشت و پوست موجود در بازار مسلمانان توسط اهل کتاب ذبح شده باشد حتی اگر در بازار اهل کتاب هم باشد آن را صحیح می دانند پس این رفتار مسلمانان (اهل سنت) نمی تواند کاشف از ذبح شرعی گوشت بازار مسلمانان و طهارت آن باشد بلکه ممکن است ناشی از بی مبالاتی آنان باشد.

مبحث سوم: اختلال نظام در صورت عدم رعایت شرایط اجرای قاعده سوق المسلمین

اگر این محصولات که در بازار مسلمانان عرضه می شود، مورد نیاز همه ی مردم است و مردم نیز چاره ای جز تهیه ی آن ها از بازار ندارند، محکوم به حرمت و نجاست باشد موجب اختلال در نظام معاش جامعه و در نظام اقتصادی آنها خواهد بود؛ زیرا انسان برای احراز ذبح شرعی گوشت مورد نیاز روزانه ی خود، باید ساعت ها صرف تحقیق و بررسی و سوال و استعلام نماید. از طرفی این تکلیف با روح شریعت اسلامی و سهله بودن آن سازگاری ندارد و آنچه موجب اختلال در نظام اجتماعی با اقتصادی اسلام باشد غیر قابل قبول است. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵ ه.ق. ۸۷). چنان که در مورد حجیت ید نیز به این امر استناد شده است و امام علیه السلام می فرماید: «لو لم یجز هذا لم یقم للمسلمین سوق» (. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، پیشین، ج ۷، ص ۳۸۷). یعنی اگر این جایز نباشد برای مسلمانان بازاری نمی ماند که منظور از این عبارت از هم پاشیدن نظام اقتصادی است. این مطلب از دهها آیه و روایت که بر سماحت و سهولت شریعت دلالت دارد نیز فهمیده می شود، از جمله اینکه خداوند در قرآن فرمود: «یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر» (. سوره بقره، آیه ۱۸۵) خداوند متعال برای شما آسانی را می خواهد و دوست ندارد که در عسر و سختی باشید. یا «ما جعل علیکم فی الدین من حرج» (. سوره حج، آیه ۸۷) خداوند برای شما در دین سختی قرار نداده است، و نیز «ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج» خداوند دوست ندارد که شما در سختی باشید.

همچنین از عبارتی که قبلا از امام رضا علیه السلام نقل شد که فرمودند: «ان الخوارج ضيقوا علی انفسهم بجهالتهم، و أن الدین اوسع من ذلك»، نیز استفاده می شود و حتی بر همین اساس است که فقها نیاز به سوال و کنکاش در مورد ذبح شرعی آن را، نه تنها لازم که مستحب هم نمی شمارند و علت آن را توسعه شریعت اسلام در امور مربوط به معیشت بر شمرده اند. (امامی، محمد، حائری، محمدحسن، بازار مسلمانان و حلیت و طهارت کالای عرضه شده در آن، آموزه های فقهی، ۱۳۸۸، شماره ۳، ص ۴۹) در نتیجه قاعده سوق المسلمین به نوعی مستند به قاعده لاجرح می باشد، زیرا در اجرای قاعده ی سوق تکالیف مشتقات باری چون تحقیق و تفحص کردن در امور ذبایح از دوش مسلمانان برداشته می شود و امور بازار مسلمین رونق پیدا می کند چنانچه قاعده ی سوق المسلمین اجرا نگردد، بازار مسلمانان نیز تعلل می گردد و مسلمانان جهت تهیه ی گوشت و پوست و سایر اجزای حیوان ناچارند که خود شخصا به امر ذبح اقدام کنند که موجب عسر و حرج می گردد، لذا اجرای این قاعده موجب رفع عسر و حرج می شود.

۴- حکم اولیه کالا و فرآورده های حیوانی و غیر حیوانی

قبل از تطبیق قاعده سوق المسلمین و بیان موارد کاربردی آن لازم است حکم اولیه استفاده از کالاها بیان گردد.

۴-۱- اصل اولی در فرآورده های غیر حیوانی

در خصوص حق استفاده از اشیا، خوراکی و سایر کالاها و این که آیا ما حق استفاده از آنها را به جز مواردی که شرع ما را منع نموده داریم، یا این که حق استفاده از آنها را نداریم مگر در مواردی که از سوی شارع مجوز داشته باشیم اختلاف نظر است. (شریف مرتضی، بی تا، ج ۲، ص ۸۰۹) و در این باره چند قول وجود دارد که در ذیل به آنها اشاره می شود:

۱- نظر اکثر فقهای شیعه: اصل و حکم اولیه، اباحه ی همه چیز است. (نراقی، ۱۴۱۵.ق.، ج ۱۵، ص ۷۲) انسان مجاز به استفاده از تمام کالاها و اشیا می باشد و تمام خوراکی ها برای او حلال است، مگر آنچه تحریمش ثابت شده باشد. بنابر این برای اثبات حرمت یک کالا نیاز به دلیل است و تا وقتی که دلیل اقامه نشود حق استفاده از آن محفوظ است. در نتیجه در مورد شک، می توان آن را مورد استفاده قرار داد. (طوسی، ۱۴۱۷.ق. ج ۲، ص ۷۴۲؛ کاظمی، ۱۴۹۰.ق. ج ۳، ص ۳۷۹) قائلین به این دیدگاه و برای اثبات اباحه به بنای عقلا، آیات قرآن و روایات استدلال کرده اند. (امامی، حائری، ۱۳۸۸، ص ۴۲)

الف-بنای عقلاء :

با تأمل در شیوه‌ی عمل پیروان ادیان مختلف و عقلای جهان در طول تاریخ می‌توان به این موضوع پی برد که، بنای آنها بر آن نبوده است که خود را از نعمت‌های الهی محروم بدانند و یا انجام بعضی از کارها را جایز نشمارند مگر بعد از اثبات جواز آن از سوی شارع؛ بلکه هر کاری را جایز می‌شمردند مگر این که انبیا آنها را نهی کنند. (انصاری، ۱۴۱۹ه.ق. ۱۹۹)

ب-قرآن کریم:

از جمله آیات و روایاتی که بر این اصل دلالت دارند: «قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَىٰ طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلًا لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (سوره انعام، آیه ۱۴۵)؛ ای پیامبر بگو در آنچه بر من نازل شده من حرامی را در بین خوراکی‌هایی که خداوند آفریده نیافته‌ام مگر اینکه گوشت مردار باشد یا... این آیه ظهور در این دارد که آنچه بر پیامبر لازم است بیان محرمات می‌باشد نه بیان امور مباح.

همچنین آیه شریفه «مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ غَلْبَتُهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا» (سوره اسراء، آیه ۱۵) دلالت دارد که، اگر انجام کاری موجب مجازات باشد قبلاً باید خداوند آن را بیان کند و آن را به ما برساند و لذا نسبت به آنچه به ما نرسیده آزاد هستیم. (امامی، حائری، ۱۳۸۸، ص ۴۰)

ج-روایات

از امام صادق علیه السلام روایت شده: «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نص» (مجلسی، ۱۴۱۰ه.ق. ، ج ۲، ص ۲۷۲) همه چیز برای تو آزاد است تا زمانی که نصی وارد شود و تو را از انجام آن نهی کند. این آیات و روایات به نوعی تأیید کننده‌ی بنای عقلاست. (امامی، حائری، ۱۳۸۸، ص ۴۲)

۲- نظر اکثر علمای اهل سنت؛ مثل اکثر شافعیه، احمد بن حنبل، کرخی و رازی اعتقاد دارند که، اصل در اشیا حظر و منع است (فخررازی ، ۱۴۱۸ ه.ق ، ج ۱، ص ۱۷۵) و تا هنگامی که جواز استفاده از چیزی یا انجام عملی برای ما ثابت نشود، ممنوع می‌باشد.

۳- گروهی نیز قائل به توقف هستند، به این معنا که، نه حکم به حرمت می‌شود و نه حکم به جواز عمل، بلکه در صدور حکم توقف می‌شود اما در مقام عمل از ارتکاب آن خودداری می‌گردد. (شریف مرتضی، بی تا، ص ۸۰۹)

۴-۲- اصل اولی در فرآورده های حیوانی

اگر ملاک مأكولیت که در دین مقدس اسلام گوشزد شده است در حیوانی وجود نداشته باشد، آن حیوان قابل تذکیه برای خوردن نیست. مشهور این است که اگر تذکیه برای حیوانی مقرر نشود هیچ گونه استفاده ای از آن نمی توان کرد. این همان اصل عدم جعل تذکیه است، زیرا تذکیه احتیاج به دلیل دارد. و در هر مورد که دلیلی نباشد اصل حرمت است. مانند قطعه گوشتی که اماره ای برای ذبح شرعی مانند بازار و محل مسلمین و ید مسلم و غیر ذلک نداشته باشد. اینکه تذکیه احتیاج به احراز دارد شاید معلول عللی در اصل اولی بوده باشد که می گوید: هر حیوانی را نمی توان کشت مگر مجوز قانونی داشته باشد و شاید ضرر جسمانی یا معنوی بوده باشد که در گروهی از حیوانات وجود دارد. و به هر حال تذکیه خواه از حیث حکم و خواه از حیث موضوع بایستی احراز شود. (جعفری، ۱۳۶۰، ص ۱۶۱)

۵- کاربرد قاعده سوق المسلمین بر فرآورده های حیوانی وارداتی

امروزه تراکم و افزایش روزافزون جمعیت جهانی و توسعه ی ارتباطات بشری از یک سو و پیچیده تر شدن پروسه فرآوری غذا از سوی دیگر باعث شده است که، امر حلال و حرام تولیدات مواد غذایی و دانستن حکم آنها از جایگاه حساسی برخوردار باشد؛ به عنوان مثال گاه مواد غذایی با ترکیبات نامشخص در بازار عرضه می شود، که حکم آنها مشخص نیست و برای دانستن حکم آنها باید به شرع مراجعه نمود. اما آیا می توان با استناد به قاعده سوق المسلمین حکم به حلیت و طهارت آنها نمود؟ به نظر می رسد برای اثبات حلیت این نوع کالاها، در صورتی که وارداتی نباشند می توان از قاعده ی سوق استفاده نمود و حکم به حلیت و طهارت آنها نمود؛ زیرا سوق مسلمین اماره بر طهارت و حلیت می باشد. اگر چه روایات که عمده دلیل قاعده ی سوق می باشد، در خصوص شک در حلیت کالا از جهت شک در ذبح شرعی آن، مذکی و غیر مذکی بودن آن می باشند. (بجنوردی، ۱۴۱۹ه.ق.، ج ۴، ص ۱۵۶-۱۵۹) اما می توان گفت: درست است که هویت این قاعده در ابتدا از این قرار بوده که آنچه در بازار مسلمین از ذبایح و گوشت فروخته می شود خرید آن جایز است و تفحص از حال آن لازم نیست، اما رفته رفته دایره شمول قاعده گسترش یافته و شامل تمام کالاهایی که در بازار مسلمین عرضه می شد، گشت. (طباطبائی، ۱۴۱۲ه.ق. ج ۱۳، ص ۳۴۱) بنابراین در هر عصر و نسلی قاعده اعتماد به بازار مسلمین، می تواند مورد توجه قرار گیرد و گذر زمان و تغییرات صورت گرفته در بازار تولید و عرضه غذا سبب کم رونقی قاعده مذکور نمی شود و برای مسلمان ها و مؤمنین

همیشه کار آمد و گره گشا بوده و هست. (سلطانی، ۱۳۸۹، ص ۲۸) همچنین برای اثبات حلیت این نوع از کالاها می توان از اصل اباحه نیز استفاده نمود. حال اگر این مواد غذایی مشکوک از کشوری دیگر وارد بازار مسلمانان شود، و مردم همین کالای وارداتی مشکوک را از دست یا بازار مسلمانان تهیه نمایند آیا می توان به قاعده سوق تمسکت نمود و حکم به طهارت و حلیت کرد؟ در جهان امروز که ملت ها به نحو شگفت انگیزی، ارتباط خود را با سایر ملل افزایش دادند به گونه ای که یک جامعه بدون رابطه با جوامع دیگر به درستی قابل کنترل و هدایت نمی باشد، مساله ای که عموماً مسلمانان با آن مواجه هستند این است که، از کشورهای که اسلام در آنها رنگ و بویی ندارد یا از دیگر کشورهای اسلامی، کالاهایی وارد بازار مسلمانان می شود و در آنجا به فروش می رسد که در مورد سایر آنها احتمال نجاست وجود دارد.

برای دانستن حکم کالاهای وارداتی باید گفت: اگر آن کالا مشتمل بر مواد گوشتی نباشد حکم اولیه ی آن طهارت و حلیت و استفاده از آن پاک و حلال است؛ مثلاً برخی از فقها پنیرهای وارداتی از کشورهای اسلامی را که نمی دانیم از چه موادی ساخته شده و آیا پنیر مایه ی حیوانی و یا مواد دیگر دارد، محکوم به حلیت دانسته و خوردن آن را جایز دانسته اند. (خوئی، بی تا، ص ۱۷۶) و سوق مسلمین را مطلقاً حجت دانسته و حکم به حلیت نموده اند. (کاشف الغطاء، بی تا، ج ۱، ص ۱۸۴؛ حکیم، ۱۴۰۴.ق.، ج ۲، ص ۳۳۰) و برخی می گویند: اگر مسلمانان با آن کالا معامله پاک و حلال انجام می دهند و از آن استفاده می نمایند، این حکم پذیرفته و این کالا پاک و حلال است. (همدانی، ۱۴۱۹.ق.، ج ۱، ص ۶۵۶؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹.ق.، ج ۱، ص ۱۳۰) و در مقابل برخی از فقها به دلیل اصل عدم تذکیه و اصل عدم طهارت حکم به حرمت آن می نمایند. (امامی، ۱۳۸۹، ص ۶۲) به نظر می رسد در این حالت که نمی دانیم پنیر از چه موادی ساخته شده است می توان حکم به حلیت کرد. زیرا از امام صادق علیه السلام درباره پنیری که مشرکان درست می کنند و در آن پنیر مایه ای که از شکم بزغاله مرده است، قرار می دهند و بر آن نام خدا را نمی برند، سؤال شد. امام علیه السلام فرمود: اگر می دانی که چنین ساخته می شود، قابل خوردن نیست و اگر چگونگی ساخت آن پنیر برای شما مجهول است و کسی از ساخت آن آگاهی نداشته باشد و در بازار مسلمین به فروش برسد، آن را بخور. (نوری طبرسی، بی تا، ۱۵۲/۱۶)

بر اساس دلایلی که بیان می شود، جواز استفاده از کالای مورد نظر اقوی است.

الف- سیرهٔ مسلمانان استفاده از این کالا می باشد. مردم از بازار مسلمانان گوشت و فرآورده های گوشتی و محصولات دامی متوقف بر ذبح را تهیه می کنند و کمتر توجه دارند که این کالا وارداتی است یا محصول کشور اسلامی است. بعضی روایات مثل روایت اسماعیل بن عیسی نیز ممکن است این مطلب را تأیید کند؛ زیرا امام علیه السلام می فرمایند: در صورتی که مردم آن را میخرند و در آن نماز می گزارند، سؤال کردن از آن منتفی خواهد بود.

ب- بنای شارع در مواردی از قبیل مسئلهٔ مورد بحث، بر تسهیل امر و گشایش در امور مسلمانان است و حکم به حرمت در چنین موردی موجب ایجاد مشقت برای مردم است. اینکه محل بحث از مواردی است که دیدگاه شارع در آن بر تسامح و تساهل استوار است، از خبر سکونی که در مورد سفرهٔ پهن شده در سرزمین اسلام از امیرالمؤمنین این سؤال شد، استفاده می شود؛ زیرا حضرت میفرماید از آن استفاده نمایید و سپس در ذیل آن می فرماید: در سعه هستند تا اینکه علم حاصل شود. در مورد روایت همین که به مردار بودن آن یقین نداریم و خوراکی مورد سؤال در سرزمین اسلام است، برای حکم به حرمت و طهارت کافی است، هر چند احتمال دارد متعلق به غیر مسلمان باشد. در محل بحث نیز، کالا اکنون در بازار مسلمانان است و از طرفی وارداتی بودن آن موجب یقین به عدم ذبح شرعی آن نمی شود؛ در چنین مواردی بنای شارع بر تسهیل امر می باشد.

ج- از اطلاق بعضی روایات نیز این حکم قابل استفاده است. مثلاً در موثقهٔ اسحاق بن عمار آمده است که «لا بأس بالصلاة في الفراء اليمانى و فيما صنع في أرض الإسلام» در این روایت ملاک اشکال نداشتن و عدم بأس این است که در سرزمین اسلام ساخته شده باشد و ساخته شدن در سرزمین اسلامی اعم از این است که پوست آن در داخل کشور تهیه شده یا از خارج و از کفار خریداری شده و سپس در داخل آماده شده باشد. در صحیح حلی در مورد نعلین موجود در بازار نیز این گونه آمده است: «اشتر و صلّ حتى تعلم أنه ميتة» زیرا تا وقتی یقین به عدم تزکیهٔ شرعی آن یقین پیدا نکنیم، در حکم مذکی است، خواه در داخل کشور کشتار شده یا در خارج، مشروط به اینکه یقین به عدم تذکیهٔ آن نداشته باشیم و از بازار یا از دست مسلمان خریداری نماییم. (پیش آهنگ، پیشنهادی رستمکلاهی، ۱۳۸۹، ۹۶)

۶- کاربرد قاعده سوق المسلمین بر گوشت های وارداتی

گوشت های وارداتی را می توان در دو مقوله بررسی کرد:

نخست، گوشتی که از کشورهای اسلامی وارد می شود: در این صورت نیازی به بحث از حکم این نوع گوشتها- که گوشت آن بلاد در دست مسلمانان است و در آنها تصرف می کنند و در جاهایی به کار می برند که در آنها طهارت شرط است- نیست؛ زیرا مصرف این نوع گوشتها حلال بوده و جایز می باشد.

دوم، گوشت وارده از کشورهای غیر اسلامی، یعنی بلادی که، همه یا اکثر افراد آن را کفار تشکیل می دهند. این بحث شامل حکم گوشت هایی که در دست کفار یا در سرزمین آنها می باشد، نیز خواهد شد (موسسه دایره المعارف اسلامی فقه اهل بیت علیهم السلام، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۴). قاعده و اصل اولیه ای که در بین فقهای شیعه از جمله شیخ مفید (مفید، ۱۴۱۳ ه.ق، ص ۵۸)، علامه حلی (حلی، ۱۴۱۲ ه.ق، ج ۲، ص ۱۰۶۲)، محقق اردبیلی و شهید ثانی (جبل عاملی، ۱۴۱۳ ه.ق، ج ۱۲، ص ۵۲۰) پذیرفته است، حرمت و عدم تذکیه ی فرآورده های گوشتی است، مگر آنکه ذبح و تذکیه ی شرعی آن احراز شود؛ زیرا تذکیه امر وجودی است و هر گاه در حصولش شک کردیم، اصل عدم تذکیه می باشد. (روحانی، ۱۴۱۴ ه.ق، ص ۱۷۳) که در اینجا بدون هیچ اشکالی حاکم است و دلیل بر عدم تذکّه می باشد و مقتضای این اصل، بطلان معامله ی این نوع گوشت ها می باشد زمانی که برای آنها منفعت حلالی غیر از خوردن نباشد؛ بنابراین انسان حق استفاده از گوشتی را دارد که به ذبح شرعی آن یقین داشته باشد و در غیر این صورت اصل عدم تذکیه است. (موسسه دایره المعارف اسلامی فقه اهل بیت علیهم السلام، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۴) از جمله مواردی که مشهور فقهای شیعه و بعضی از علمای اهل سنت حکم به تحریم آن نموده اند، ذبایح اهل کتاب می باشد که ممکن است هنگام ذبح «بسم الله» نگویند و یا «بسم الله» بگویند اما ما مراد از «یذکر اسم الله علیه» را صرف تلفظ «بسم الله» ندانیم؛ بلکه گفتن «بسم الله» را با روح و محتوای آن ملاک قرار دهیم. از این رو، اگر ذابح هنگام ذبح بسم الله را فراموش کند حکم به حرمت ذبیحه نمی نمایند، در عین حال، اگر آن را کافر ذبح نماید و حتی «بسم الله» را هم بگوید پذیرفته نیست. (مفید، ۱۴۱۳ ه.ق، ص ۳۰) بنابراین، طبق نظر مشهور فقها، حرمت خوردن، استفاده کردن و نجاست گوشت وارده از کشورهای کفر واضح است. و اماره ای همانند ید مسلم که دلالت بر حلیت آن کند، و بخواهد بر اصل مقدم شود، وجود ندارد. پس اصل عدم تذکیه به قوت خود باقی است و مقتضای آن حرمت خوردن می باشد. (موسسه دایره المعارف اسلامی فقه اهل بیت علیهم السلام، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۴)

حال که این گوشت در دست مسلمان یا در بازار آنها به فروش می رسد حکم چیست؟ در این فرع دو حالت وجود دارد:

۱- علم به عدم تذکبه وجود دارد. در این صورت اگرچه با استناد به قاعده سوق مسلمین حکم به حلیت و طهارت هر آنچه در دست و بازار مسلمانان است می شود، مگر اینکه، علم به عدم تذکبه داشته باشیم اما این ادله، شامل این مورد نمی شوند؛ زیرا موضوعی برای اماره بودن سوق یا سرزمین اسلامی باقی نمی ماند تا ادله سوق شامل این مورد شود. پس این مورد خروج موضوعی از ادله سوق مسلمین دارد، و حکم در این صورت نجاست و حرمت است. معلم، بی تا، ج ۳، ص ۴۴۱)

۲- شک در عدم تذکبه وجود دارد. در این صورت ظاهر این است که این مورد مشمول ادله سوق می شود و حکم در این هنگام طهارت و حلیت است. (معلم، بی تا، ج ۳، ص ۴۴۱)

۷- کاربرد قاعده سوق المسلمین بر چرم وارداتی

چرم را در چندین دسته قرار داد که عبارتند از:

۱- چرم مأخوذ از حیوان حلال گوشت؛ در همه مذاهب اسلامی، پوست حیوانات حلال گوشت در صورت تذکبه با دباغی یا بدون آن پاک، و نماز خواندن در لباس فراوری شده از آن صحیح است. اما فقههای امامیه پوست مردار حلال گوشت را، حتی در صورت دباغی شدن، نجس و نماز خواندن در چرم ساخته شده از آن را باطل شمرده اند. (طباطبایی یزدی ۱۴۰۹ ه.ق.، ج ۱، ص ۲۹۴)

۲- چرم مأخوذ از حیوان حرام گوشت نجس. (خمینی، ۱۴۲۴ ه.ق.، ج ۱، ص ۶۷) در تمام مذاهب اسلامی استفاده از پوست این نوع از حیوانات حتی اگر تذکبه و دباغی شده باشد، جایز نیست. (حلی، ۱۴۱۰ ه.ق. ج ۳، ص ۱۱۴)

۳- چرم مأخوذ از حیوان حرام گوشت غیر نجس؛ (بهائی عاملی، ۱۰۵۴ ه.ق. ج ۲، ص ۳۳) برخی از این حیوانات که گوشت آنان حرام است در صورتی که با شرایط گفته شده در فقه، تذکبه شوند، پوست و موی آنان پاک می باشد و در غیر این صورت، نجس هستند. (خمینی، ۱۴۲۴ ه.ق.، ج ۱، ص ۴۶۱) سنجاب جزو حیوانات حرام گوشتی است که خوردن گوشت آنها حرام است، ولی بنابر نظر برخی از فقها، اگر سنجاب تذکبه شود نماز با پوست آن نیز اشکال ندارد. (خمینی، ۱۴۲۴ ه.ق.، ج ۱، ص ۴۶۱)

استفاده از پوست حیوانات حرام گوشت غیر نجس مانند روباه و پلنگ در صورت تذکبه و به نظر مشهور فقههای امامی به شرط دباغی شدن، در همه کارها جز نماز جایز است. (حلی،

۱۴۱۰ ه.ق. ، ج ۳، ص ۱۱۴) حنفیان و برخی از مالکیان، تذکيه را برای پاک شدن پوست این قبیل حیوانات کافی دانسته اند. (کاسانی، ۱۴۰۲ ه.ق. ج ۱، ص ۸۶) حال چرمی که از خارج وارد و در بازار مسلمانان به فروش می رسد حکم آن چیست؟ آیا به استناد قاعده سوق حکم به جواز استفاده از آن می شود؟

از باب مقدمه لازم است به این نکته اشاره شود که حکم خرید و فروش و استفاده کردن از لباس دوخته شده از پوست مردار نیز در مذاهب مختلف، متفاوت است. از دیدگاه فقها هنگام شک در باره تذکيه حیوانی که از پوست آن چرم ساخته شده، اصل عدم تذکيه جاری است. (کاظمی خراسانی، ۱۴۱۱ ه.ق. ج ۱، ص ۲۱۳) با وجود این، وجود برخی نشانه ها از نظر شرعی دلیل تذکيه به شمار می رود؛ مانند: دریافت چرم یا خرید آن از فرد مسلمان، خرید چرم از بازار مسلمانان (طباطبائی یزدی، ۱۴۰۹ ه.ق. ، ج ۱، ص ۱۳۱) و پوستی که از بلاد اسلامی وارد می شود. (خمینی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۹۸) زیرا فقها به استناد احادیث، از جمله روایت حلبی که می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره ی کفش هایی که از چرم ساخته و در بازار فروخته می شود، سوال کردم حضرت فرمودند: «اشتر و صل فیها حتی تعلم أنه میتة بعینه» (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق. ، ج ۳، ص ۴۹۰) ؛ از آن بخر و در آن نماز بخوان مگر این که بدانی قطعا از پوست مردار درست شده است، به پاک بودن پوست و چرم خریداری شده از بازار مسلمانان حکم داده و تفحص و پرسش از تذکيه آن را لازم ندانسته اند. (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۰۵) مگر اینکه بینه برخلاف آن اقامه شود؛ زیرا بینه به معنای اصطلاحی آن خواه علم آور باشد و خواه شرع آن را حجت قرار داده باشد بر همه اصول عملیه؛ از قبیل اصالت طهارت ، اصالت حل، اصالت صحت، اصالت عدم تذکيه و استصحاب ، مقدم است. در مورد سایر امارات شرعی از جمله سوق نیز قطعا بینه مقدم است. (زحیلی، ۱۴۱۸ ه.ق. ج ۶، ص ۶۱۲)

در یک تقسیم بندی دیگر می توان چرم را با توجه به وارداتی بودنش به دو قسم تقسیم نمود:

۱- چرمی که از سرزمین های اسلامی وارد شود، که این نوع چرم برخلاف آنچه از سرزمین های غیر اسلامی خریداری شود، از نظر فقهی پاک و محکوم به طهارت است، مگر آنکه ذبح غیر شرعی حیوان احراز گردد. (گلپایگانی، ۱۴۱۳ ه.ق. ج ۱، ص ۴۰)

۲- چرمی که از کشورهای غیر اسلامی وارد می شود در صورتی که از بازار کفر آمده باشد و در بازار مسلمانان فروخته شود، اگر بدانیم شخص فروشنده تفحص کرده و مسلمان و مقید

است، اصاله الصحت، قاعده ید و سوق المسلمین جاری و حکم به جواز استفاده از آن می شود. (خمینی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۹۹) اما در صورتی که فرد فروشنده تفحص ننماید و فقط محصولات چرمی را بدون اینکه از ذبح آنها سوال نماید، بفروشد مشهور در میان اصحاب فرموده اند که این ها محکوم به نجاست هستند؛ صاحب جواهر می گوید: همان گونه که ما آن طرفش را قاعده ید و سوق المسلمین جاری نموده و اماره ای بر تذکیه دانسته ایم، باید بدانید که در سمت دیگر آنچه در بازار کفر بوده نیز اماره ای بر عدم تذکیه می باشد. امام خمینی در این خصوص می گوید: وسایل چرمی که ما استفاده می کنیم چه بسا چرم آنها از کشورهای اسلامی اعم از ایران و دیگر کشورها، وارد بلاد کفر شده و در آنجا تبدیل به کیف، کفش و ... شده است؛ یا اینکه بسیاری از این چرمها، چرم نماست، یعنی چرم مصنوعی می باشد و ما گمان می کنیم که چرم است. همان گونه که امروزه غالب وسایل چرمی چرم نما می باشد. بنابراین برخی از فقها استفاده کردن از چرمی را که از غیر مسلمان خریداری شده است ولی درباره تذکیه آن اطمینان وجود دارد، جایز دانسته اند. در صورتی که معلوم نباشد چرم موجود در کفش، لباس، کمربند و مانند اینها از پوست حیوان تذکیه شده، ساخته شده یا از چیزی دیگری مانند چرم مصنوعی، به نظر فقها باید آن را پاک شمرد و نیاز به تفحص و بررسی نیست. (امامی، ۱۳۸۹، ص ۵۵)

نتیجه گیری

از قاعده سوق المسلمین استفاده می شود که خرید فرآورده های حیوانی از بازار مسلمین چنانچه مقرون به اثر و تصرف باشد، بر تذکیه دلالت کند، محکوم به طهارت و حلیت است خواه از مسلمان خریداری شود یا از شخصی که مجهول الحال باشد. و منظور از تصرف این است که انسان ببیند که این کالاها را مسلمانان برای فروش عرضه می کنند یا ببیند که مسلمانان از آن ها می خورد یا ببیند که در آن نماز خوانده می شود. از موارد کاربرد این قاعده این است که حکم آنچه که در بازار مسلمین گرفته می شود و در سرزمین مسلمین یافت می شود از ذبیحه ها و گوشت ها و پوست ها و خوراکی ها، به استناد آنچه که از اخبار آشکار می شود، حلال و پاک هستند و تفحص بر چگونگی آنها واجب نمی باشد زیرا بازار مسلمانان اماره و نشانه تذکیه و ذبح شرعی می باشد. و حتی مشاهده نشده است که در این مسأله بین اصحاب اختلاف نظری باشد. همچنین با توجه به اینکه تعدادی از

مسلمین ممکن است در کشورهای غیر مسلمان زندگی کنند، با توجه به قاعده سوق المسلمین و تبیین حدود قلمرو و شروط و شروط معتبر در حجیت آن، مسلمین می توانند با ایجاد بازارچه هایی که فروشندگان آن مسلمان باشند، از مذکی بودن گوشت و سایر مواد لبنی و فراورده های دامی اطمینان حاصل کرده و آنها را خریده و از آن استفاده نمایند.

اساس این قاعده بر این پایه است که بازار مسلمین باید حفظ گردد و هر چه به نظام معاملات مسلمانان صدمه بزند مطرود است. اعتماد کردن بر این قاعده ما را از بسیاری از مشکلات می رهند و به عبارت دیگر این قاعده ابزاری در برابر عسر و حرج در برخی موارد است.

بنابراین:

۱- هر آنچه در بازار مسلمین از قبیل گوشت و پیه و پوست و غیره پیدا شود، ظاهراً محکوم به تذکیه هستند، خواه در دست مسلمان باشد یا در دست اشخاص مجهول الحال باشد. از دست مسلمان یا شخصی که ظاهرش به مسلمانان شباهت دارد (و محکوم به مسلمان بودن باشد) خریداری کند. البته دو دسته از علماء، با این شرط مخالفت کرده اند. عده ای معتقدند فقط بازاری حجیت دارد که مسلمان بودن فروشنده اش، نزد خریدار احراز شده باشد. و در مقابل عده ای می گویند که بازار مسلمانان اماره و نشانه تذکیه و ذبح شرعی است و لازم نیست از دست مسلمان گرفته باشد.

۲- بازار باید بازار مسلمانان باشد. از ظاهر ادله و روایات این است که بازاری دارای چنین حجیتی است که اکثر اهالی آن مسلمان باشند، ولو این بازار در سرزمین کفار باشد. و اگر در کشور اسلامی، اکثر اهلی یک بازار، غیر مسلمان باشند این قاعده اجرا نمی شود.

۳- بازار مسلمانان اماره بر اماره بوده و خود سوق به تنهایی اماره بر تذکیه و کاشف از طهارت و حلیت نیست، بلکه کاشف از اماره اصلی که ید مسلم است، می باشد. به عبارت دیگر اماره ی اول این است که غالب آنها مسلمان بوده اند و اماره دوم این است که غالب مسلمانان طبیعتاً متعهد بودند، به این جهت آنچه از دست آنها گرفته می شد شرعاً صحیح به شمار می آمد.

۴- خرید کالاهایی که نیاز به تذکیه دارند، از دست مسلمان (ولو به حسب ظاهر)، براساس اصالت صحت فعل مسلمان، می توان تعبداً حکم کرد که این حیوان، ذبح شرعی شده است. البته احراز مسلمان بودن، تنها شیعه بودن نیست و سایر فرق اسلامی را هم شامل می شود، به این دلیل که در زمان صدور این روایات، در بازارهای مرسوم آن زمان، اکثر افراد غیر شیعی بوده اند. البته روایاتی هم دلالت بر عدم شرطیت تشیع در اجرای این حکم موجود است.

۵- کالاهایی که از چرم (پوستین) درست شده اند ، مانند : کفش ها و کمر بند ها و لباس ها ی چرمی و غیره که در سرزمین اسلامی ساخته می شوند ، ظاهراً محکوم به طهارت هستند و نیازی به تفحص پیرامون چگونگی ذبح حیوان که این کالاها از پوستشان ساخته شده است نمی باشد.

۶- از آثار اجتماعی قاعده سوق المسلمین: الف: افزایش اعتماد عمومی. ب: اشاعه ی فرهنگ اسلامی، ج: قاعده ی سوق مسلمین به دنبال تشویق مسلمانان با در برخی موارد الزام آنان بر خرید و فروش با مسلمانان می باشد. د: وحدت و همبستگی بین مسلمانان ه: رونق اقتصاد مسلمانان می باشد.

فهرست منابع*

-قرآن کریم

- آملی، حسن زاده، صد کلمه ، قم، انتشارات قیام ، چاپ اول، ۱۳۶۸ ه.ق
- أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التیمی الرازی (الملقب بفخر الدین الرازی خطیب الری)، المحصول، دراسة وتحقیق: الدكتور طه جابر فیاض العلوانی، الناشر: مؤسسه الرساله، الطبعة: الثالثة، ۱۴۱۸ ه.ق
- اردبیلی، احمد (محقق اردبیلی)، مجمع الفائده و البرهان، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ ه.ق
- امامی، محمد، حائری، محمد حسن، بازار مسلمانان و حلیت و طهارت کالای عرضه شده در آن، آموزه های فقهی، ۱۳۸۸، شماره ۳

- امامی، محمد، بازار مسلمانان آداب و مقررات، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ دوم، ۱۳۸۹

- انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۹ ه.ق.
- بجنوردی، حسن، القواعد الفقهیه، قم، نشر الهادی، چاپ اول، ۱۴۱۹ ه.ق
- بهائی عاملی، بهاء الدین محمد بن الحسین، جامع عباسی و تکمیل آن، تهران، موسسه منشورات فراهانی، چاپ اول، ۱۰۵۴ ه.ق.

- پیش آهنگ، محسن، پیشنمازی رستمکلائی، محمدابراهیم، بررسی تطبیقی احکام فقهی سوق المسلمین از دیدگاه شیعه و اهل سنت، دو فصلنامه علمی تخصصی پژوهشنامه حلال، سال دوم، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۸

- جبل عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۳ ه.ق

- جعفری، محمد تقی، منابع فقه، تهران، انتشارات نور، چاپ دوم ۱۳۶۰ ه.ش

- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام. چاپ اول، ۱۴۰۹ه.ق
- حکیم سید محسن، مستمسک العروه الوثقی، قم، مکتبه السید المرعشی، ۱۴۰۴ق
- حلی، ابن ادریس، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ه.ق.
- حلی، حسن بن یوسف (علامه حلی)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه. چاپ اول، ۱۴۱۲ه.ق
- خمینی، سید روح الله، توضیح المسائل (محشی-امام خمینی)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ هشتم، ۱۴۲۴ه.ق.
- _____، استفتائات، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۲
- _____، تحریر الوسیله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی، ۱۳۷۹
- خویی، ابوالقاسم، التنقیح فی شرح العروه الوثقی، قم، تحت نظر آقای لطفی، چاپ اول، ۱۴۱۸ه.ق
- _____، منیه السائل، قم، موسسه احیاء آثار الامام خوئی، چاپ اول، بی تا
- روحانی، سید محمد صادق، المسائل المستحدثه، قم، موسسه دارالکتاب، چاپ چهارم، ۱۴۱۴ه.ق
- زحیلی، وهبه مصطفی، الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق، چاپ اول، ۱۴۱۸ه.ق.
- سبزواری، محمد باقر بن محمد مومن (محقق سبزواری)، ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۲۷ه.ق.
- سیستانی، علی حسین، منهاج الصالحین، قم، دفتر حضرت آیت الله سیستانی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ه.ق
- سلطانی، علی محمد، غذای حلال، تهران، انتشارات نظری، چاپ دوم، ۱۳۸۹
- شریعتی، روح الله، قواعد فقه سیاسی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷
- شریف مرتضی، علی بن حسین، (علم الهدی)، الذریعه الی اصول الشریعه، قم، دار لکتاب الاسلامیه، بی تا
- صدر، محمد، ماوراء فقه، بیروت، دارالاضواء، چاپ اول، ۱۴۱۶ه.ق.
- طباطبائی، سید علی، (صاحب ریاض)، ریاض المسائل فی بیان احکام الشرع بالدلائل، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، چاپ اول، ۱۴۱۲ه.ق.
- طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم، العروه الوثقی، بیروت، مؤسسه العلمی، ۱۴۰۹ه.ق
- طوسی، محمد بن حسن، عده الاصول، قم، نشر ستاره، چاپ اول، ۱۴۱۷ه.ق.
- کاشانی، ابوبکر بن مسعود، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، بیروت، دارالکتاب العربی، چاپ اول، ۱۴۰۲ه.ق.
- کاشف الغطاء، جعفر بن خضر، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء، اصفهان، انتشارات مهدوی، چاپ اول، بی تا
- کاظمی، محمد علی، فوائد الاصول، قم، موسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۹۰ه.ق.
- کاظمی خراسانی، محمد علی، کتاب الصلاه، تقریرات درس آیت الله نائینی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ه.ق.

بررسی اهمیت، شروط و آثار کاربردی قاعده سوق المسلمین از منظر فقه (صص ۲۶/ ۱۱)

- گلپایگانی، محمدرضا، مجمع المسائل، قم، دار القرآن الکریم، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ ه.ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، لبنان، موسسه الطبع و النشر، چاپ اول، ۱۴۱۰ ه.ق.
- مصطفوی، محمدکاظم، القواعد - مائه قاعده فقهیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ چهارم، ۱۴۲۱ ه.ق.
- معلم، محمدعلی، التقیه فی فقه اهل البیت علیهم السلام، سایت کتابخانه مدرسه فقهت، بی تا
- مفید، محمد بن محمد، تحریم ذبائح اهل کتاب، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ ه.ق.
- موسسه دایره المعارف اسلامی فقه اهل بیت علیهم السلام، زیر نظر آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی، انتشارات موسسه دائره المعارف فقه اسلامی، بی تا
- نائینی، محمدحسین، کتاب الصلاه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ ه.ق.
- _____، رساله الصلوه فی المشکوک، قم، موسسه آل البیته علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۱۸ ه.ق.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعه فی الاحکام الشریعه، قم، موسسه آل البیت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۱۵ ه.ق.
- نظریور، محمد تقی، منتظری مقدم، فرهنگ اعتماد ساز در اندیشه دینی و نقش آن در توسعه اقتصادی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۳۱، ۱۳۸۷
- نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل بیت، ۱۴۰۸ ه.ق، بی تا
- همدانی آقا رضا، مصباح الفقیه، مصر، مکتبه الصدر، ۱۴۱۹ ه.ق.
- یاقوت حموی، عبدالله، معجم البلدان، بیروت، ناشر دار صادر، چاپ دوم، ۱۹۹۵ م